

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

وطن گرایی در شعر دفاع مقدس (علمی-پژوهشی)

دکتر عنایت‌الله شریف‌پور^۱
علی حسن ترابی^۲

چکیده

وطن به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت‌ساز هر ملت مطرح است؛ بنابراین، دفاع و حفظ از آن می‌تواند مهم باشد. وطن‌دوستی در شعر فارسی، جلوه ویژه‌ای دارد و در هر زمان که وطن مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته است، شاعران دست به قلم شده‌اند و در وصف آن اشعار و منظومه‌هایی شیوا و بلیغ سروده‌اند. با شروع جنگ تحمیلی، کشور مورد هجوم رژیم بعثی عراق قرار می‌گیرد و شهرهای مرزی با خاک و خون یکی می‌شوند. شاعران، این حوادث تلخ را بر نمی‌تابند و با سرودن اشعاری به دفاع از وطن بر می‌آیند. پرداختن به اشعار وطنی این دوره می‌تواند کمکی شایان به تقویت حس وطن‌دوستی مردم کند و در حفظ هویت ملی تاثیرگذار باشد. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد، سعی بر آن است تا مفهوم وطن در شعر شاعران دفاع مقدس، بررسی شود و سپس با آوردن نمونه‌های شعری اثبات گردد که شاعران از مفهوم وطن در شعر خویش بهره جسته‌اند. با انجام این پژوهش مشخص می‌شود که مفهوم وطن به عنوان یک موضوع اصلی در شعر شاعران دفاع مقدس مطرح می‌شود و شاعران همگان را به وطن‌دوستی و دفاع از وطن فرا می‌خوانند. مفهوم وطن در این دوره در قالب میهن اسلامی بروز پیدا می‌کند و شاعران بر اساس موازین اسلامی به سرودن شعر وطنی می‌پردازند.

واژه‌های کلیدی: وطن، شعر، دفاع مقدس، جنگ.

^۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

^۲. کارشناس ارشد ادبیات مقاومت دانشگاه شهید باهنر کرمان: Alihasan.torabi@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۰۴

۱- مقدمه

بی‌گمان علاقه به وطن و عشق به آن در ذات هر ایرانی پاک‌بین وجود دارد و ایرانی مسلمان به وطن و زادگاه خویش ارادتی خاص نشان می‌دهد. شعر همواره از دیرباز تاکنون آینه تمام‌نمای فکر بشر و تجلیگاه اندیشه انسان بوده است و عموماً بشر در قالب شعر، علاقمندی‌ها و ارادت‌های خاص خود را نسبت به آنچه در ذهنش بوده، بیان داشته است. البته باید اذعان کرد که حس وطن‌خواهی ایرانیان همواره یکسان نبوده و حوادث اجتماعی و سیاسی در تقویت و تشدید آن نقش اساسی ایفا نموده است؛ اما در دوره معاصر به ویژه پس از انقلاب و شعر جنگ توجه شاعران به مضمون وطن بیش از پیش شده است و حتی قسمتی از شعر جنگ درباره وطن است. «یکی از زمینه‌های تفکر در شعر پایداری، وطن-دوستی و میهن‌پرستی است. سرزمین برای شاعر همه چیز می‌تواند باشد، محمل خاطرات کودکی، محل عشق‌ورزی‌های جوانی و آرامگاه سال‌های سالخوردگی» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۵). حس میهن‌دوستی و عشق به وطن، یکی از ویژگی‌های انسان است؛ زیرا وابستگی به مکانی که عناصر ربط‌دهنده آنها از جهت تاریخ، منافع و آرزوها، مشترک هستند، وابستگی ریشه‌دار و محکم است. عشق به آب و خاک و حفظ ارزش‌های مشترک از جلوه‌های وطن‌دوستی در هر قوم و ملت است. یکی از عمده‌ترین مسایل عاطفی که به طور گسترده در شعر و ادب فارسی مطرح شده، مسئله وطن و وطن‌دوستی است. ادبیات فارسی، که به سان آینه‌ای عواطف مردم ایران را در طول حیات خود منعکس کرده، از مفهوم وطن هم جلوه‌های گوناگونی را ثبت کرده است.

این مفهوم، در شعر شاعران ایرانی با توجه به تحوّل آن در دوره‌های مختلف شعر و ادب فارسی با معانی، مرز و بوم، کشور، شهر و دیار، ولایت و ... انعکاس یافته است. وطن از عناوینی است که نزد همه انسان‌ها و نیز در ادیان آسمانی و بخصوص دین مقدّس اسلام مورد توجه بوده و از قداست و احترام ویژه‌ای برخوردار است و در آموزه‌های دینی به محبت و مهرورزی نسبت به آن سفارش فراوان شده است؛ به همین دلیل از پیامبر (ص) روایت شده است: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيْمَانِ» (حرّ عاملی، بی‌تا: ۱۱).

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس / ۱۶۱

عشق به وطن، میلی طبیعی است که خداوند در بین مخلوقاتش قرار داده‌است به گونه‌ای که حتی حیوانات نیز به محلّ زندگی خود گرایش غریزی دارند.

ادب مقاومت و وطن همواره دو مضمونی هستند که نویسندگان و شاعران بزرگ در هنگام جنگ و دفاع به آن پرداخته‌اند. ادبیات دفاع مقدّس نیز از این قاعده مستثنی نبود و یکی از دغدغه‌های شاعران این سرزمین در طول هشت سال دفاع مقدّس، استفاده از مضامین حماسی بوده‌است و وطن از مفاهیم قابل توجّه این شاعران بود که به وسیله آن، احساسات خود و سایر رزمندگان مبنی بر عشق به دین و وطن را در قالب شعر به تصویر کشیدند و تا حدودی وظیفه خود را نسبت به دین و کشور ادا نمودند.

در شعر دفاع مقدّس، علاوه بر توجّه به وطن و مرزهای خودی، توجّه به کشورهای دیگر از جمله کشورهای مسلمان نیز زیاد دیده می‌شود «در شعر دوره پایداری، اخیراً (دفاع مقدّس) اندیشه وطن‌دوستی در تفکر جهان‌وطنی یا امت واحد مستحیل شد و هرگاه شاعر به ستودن خاک خود پرداخت با تعلیم‌های شاعران، وجوه دینی و تقدیس آن را مدنظر قرار داد» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۸). «در ذهن و ضمیر شاعران مسلمان ایران، اسلام همسنگ مفهوم وطن و «ایران» اهمّیت دارد؛ لذا آرزوی تجدید حیات امت اسلامی و برخورداری از یک حوزه وسیع جغرافیایی در شعر پایداری و دفاع بارها طرح شده‌است. از زمانی که قائم مقام فراهانی از گسیختگی حال و روز مسلمانان سخن گفت تا زمانی که اقبال، هند و سمرقند و عراق و همدان به بیداری فرا خواند، ایده وطن اسلامی و سرزمین دینی در ذهن و ضمیر شاعران مسلمان وجود داشته‌است. تفکر جهان‌وطنی دینی یا امت واحد اسلامی با طرح آرمان آزادی قدس به عنوان قبله نخستین مسلمانان، ذهن‌ها را به خود معطوف کرد؛ حتی عبارت «راه قدس از کربلا می‌گذرد» به نوعی استراتژی جنگ را تعیین کرد» (همان: ۷۳).

در این جستار سعی شده‌است تا به مفهوم وطن و وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس پرداخته شود و عامل و انگیزه‌های سرودن شعر وطنی این دوره بررسی شود. در مورد

بررسی و تحلیل شعر وطنی، پژوهشی مستقل یافت‌نشده؛ اما به صورت پراکنده در کتاب-های تحلیلی شعر دفاع مقدّس به آن اشاره‌هایی شده‌است.

۱-۱ - بیان مسئله

دفاع مقدّس اندیشه مبارزه از میهن را با توجّه به مفاهیم دینی و قدسی تغییر داد که به وضعیت جامعه جهانی و وضعیت مسلمین جهان، بر اندیشه تلاش و عزّت مسلمین در برابر استکبار و استعمار منجر شد. معنویت‌گرایی در اندیشه رزمنده و نویسنده دفاع مقدّس وجه غالب اندیشه است. مفهوم وطن در شعر دفاع مقدّس به سمت اسلام‌گرایی و انسان‌باوری تحوّل یافته‌است. در شعر دفاع مقدّس اندیشه‌های دینی و به تبع آن دفاع از میهن اسلامی و همسویی با مسلمانان جهان، جایگاه ویژه‌ای دارد. از موارد مهم و اساسی که بر این اندیشه تأثیر گذاشته‌است، واقعه عظیم عاشورا است که بر ایمان، توکل و یاری دین خدا استوار است و پیوند ژرفی با دفاع مقدّس دارد؛ به گونه‌ای که گویی عاشورا و دفاع مقدّس شاخه‌هایی از یک درخت هستند.

۱-۲ - پیشینه تحقیق

پژوهشی در مورد وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس به صورت مستقل یافت‌نشده. در شعر دفاع مقدّس، تنها یک مقاله با عنوان «وطن، چشم‌انداز روشن خدا» از مصطفی علیپور یافت شد که تنها به بررسی وطن در شعر «دوزخ و درخت گردو» سروده سلمان هراتی پرداخته‌است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

توجّه به جنبه‌ها و ابعاد شعر دفاع مقدّس و سنجش نوآوری‌ها و یا کاستی‌ها، برای خلق ادبیات دفاع مقدّس ضروری است؛ از این رو، انجام تحقیق علمی و شناخت وضعیت و ارائه راهکارها و پیشنهادها به پربرتر شدن گنجینه ادبی دفاع مقدّس می‌انجامد. وطن نیز به عنوان یکی از درون‌مایه‌های شعر دفاع مقدّس و جنگ، مؤلفه‌ای هویت‌ساز است که تحقیق

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس / ۱۶۳

و پژوهش در خصوص آن می‌تواند دارای اهمّیت باشد و به حسّ وطن‌دوستی یک ملت منجر گردد.

۲- بحث

۲-۱- وطن‌دوستی

وطن‌دوستی در شعر دفاع مقدّس از گسترده‌ترین ویژگی‌های شعری است. در جنگ و دفاع موضوع اقلیم، آب و خاک و وطن همیشه اهمّیت داشته‌است و از عوامل تحریض و تحریک به حساب می‌آمده و به همین دلیل، وطن‌دوستی در شعر دفاع مقدّس بسامد زیادی دارد. «وطن، از موضوعات مهمّ اشعار جنگ است که تقریباً تمامی شاعران در قالب‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. عشق به میهن، توصیف شکوهمند و با عظمت وطن، سوگ-سروده‌هایی که درباره‌ی شهرهای اشغالی و ویران جنگ سروده شده‌است، دل‌تنگی برای شهرها و بالاخره دعوت به مبارزه و ایستادگی در مقابل فتنه‌های دشمن و سرافرازی وطن، از مضمون‌های مهمّ این دسته از اشعار است» (قیاض منش، ۱۳۸۱: ۱۱۸).

می‌خواستم / شعری برای جنگ بگویم شعری برای شهر خودم - دزفول - دیدم که لفظ ناخوش موشک را / باید به کار برد / اما موشک زیبایی کلام مرا می‌کاست / گفتم که بیت ناقص شعرم / از خانه‌های شهر که بهتر نیست / بگذار شعر من هم / چون خانه‌های خاکی مردم / خرد و خراب باشد و خون‌آلود / باید که شعر خاکی و خونین گفت / باید که شعر خشم بگویم / شعر فصیح فریاد - هر چند ناتمام (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۸۲).

سرودن شعرهای وطنی توسط شاعران دفاع مقدّس، توانست روحیه‌ای مضاعف به رزمندگان اسلام و مردم انتقال دهد و حسّ وطن‌دوستی آن‌ها را تقویت نماید. خرّمشهر از دیدگاه سبزواری، شهر خون و قیام است؛ شهری است که در جنگ تحمیلی جوانان برومند زیادی را از دست داده‌است و اکنون کوچه‌هایش عطر شهیدان را در خود طنین‌انداز کرده‌اند و این‌گونه در وصف خرّمشهر می‌سراید:

ای شهر خون، شهر حماسه، شهر ایثار ای شهر ایمان، شهر پیمان، شهر پیکار

دامان تو گلرنگ از خون شهیدان سامانت از عطر شهیدان عطرافشان

(سبزواری، ۱۳۸۶: ۵۴)

البته در این راه هرگز دچار افراط نشده‌اند و بر موازین شرع و دین به این موضوع پرداخته‌اند؛ تا جایی که حفاظت از وطن را حفاظت از دین برشمرده‌اند. «در شعر دفاع و پایداری ایران، موضوع وطن‌دوستی سابقه‌ای شفاف دارد. تطابق اندیشه‌های دینی و ملی با طرح روایت (حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ) از قول شارح مقدّس اسلام سبب شد تا ایرانیان در چشم‌انداز عشق به میهن، آرمان‌های دینی را مدّ نظر قرار دهند. آمیختن حسّ وطن‌دوستی با نمادها و نشانه‌های دینی از اصلی‌ترین شاخه تفکر شعر مقاومت و پایداری شد» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۶۸).

نگاه قزوه به وطن، نگاهی آمیخته با دین و مذهب است؛ او هر کجا که از وطن می‌گوید، کلامش با دین عجین می‌شود.

وطن مآهتابی، وطن آفتاب بخند و بسوز و بیار و بتاب

توای مهبط صبح نور و دعا در آمیخت با خاک تو کربلا

(قزوه، ۱۳۸۷: ۲۸۰)

زنده‌یاد سلمان هراتی از جمله شاعران انقلاب اسلامی است که نگرش وی نسبت به وطن با نگرش بسیاری از شاعران دیروز و حتی امروز، متفاوت است. در شعر او بر خلاف شعر وطنی مشروطه هر جا سخنی از وطن می‌آید با اندیشه‌های دینی و مذهبی پیوند می‌خورد.

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من! / ای تواناترین مظلوم / تو را دوست دارم / ای آفتاب شمایل دریادل / و مرگ در کنار تو زندگی است (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۵).

رحمدل نگاهی خاص به وطن دارد. او وطن را سرزمینی پاک و مطهر می‌داند که در آن

باور انسان بارور می‌شود و آرام‌بخش هم وطنان است و دل‌کندن از آن مشکل:

وطن، وطن، وطن خوب و پاک و اطهر من ز خاک سرخ تو سیزاست باغ باور من

تویی قرارگه خواهر و برادر من هوای حبّ تو بیرون چه‌سان کند سر من

(رحمدل، ۱۳۸۶: ۱۳)

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۶۵

سپیده‌کاشانی، در زمانی که هجوم دشمن به خاک وطن و آغاز جنگ تحمیلی نزدیک

بود در وصف وطن اشعاری سرود:

به خون‌گرکشی خاک من، دشمن من / بجوشد گل اندرگل از گلشن من

تنم گـر بسوزی، به تیرم بدوزی / جدا سازی ای خصم، سر از تن من

من ایرانی‌ام، آرمانم شهادت / تجلّی هستی است جان‌کندن من
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۴)

اعتقاد به صلح و آرامش در جامعه اسلامی ایران، از مهم‌ترین ویژگی‌های یک جامعه عدالت‌محور است که با تثبیت اندیشه‌های مذهبی و میهن‌دوستانه در ذهن روشن‌اندیشان شکل می‌گیرد. در پی تحمیل جنگی نابرابر، انسانی مسئول و معتقد به انتقاد از اوضاع بر-می‌خیزد و با تصویر صحنه‌های نامطلوب جنگ، اعتراض خود را اعلام می‌کند. این اعتراض با رویکردی اجتماعی خود را نشان می‌دهد و در سخنان آتشین امین‌پور شکل می‌گیرد.

در شهر ما / دیوارها دوباره پر از عکس لاله‌هاست / اینجا وضعیت خطر گذرا نیست / آژیر قرمز- است که می‌نالد / تنها میان ساکت شب‌ها / بر خواب ناتمام جسدها / خفاش‌های وحشی دشمن حتی ز نور روزنه بیزارند / باید تمام پنجره‌ها را / با پرده‌های کور بپوشانیم / اینجا دیوار هم / دیگر پناه پشت کسی نیست (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۸۳).

باقری در وصف و ستایش شهرهای جنوبی کشور این‌گونه می‌سراید:

هلا ای شهر خون، شهر شهادت / هلا ای کهف فرزندان لولاک

تو خرّمشهر ای اسطوره کز شوق / شهادت در تومی آویزد ای پاک

(باقری، ۱۳۸۶: ۱۵۲)

اسرافیلی، وطن شهیدپرورش را این‌گونه توصیف می‌کند:

وطنم از غم گل‌های جوان‌گریه نکرد / سوخت و آب‌شد، از سوز نهران گریه نکرد

وطنم حادثه‌ها دید و چنان نخل رشید / ریشه گسترد و از اندوه گران، گریه نکرد

زخم‌ها خورد، ولی باز سرافراز ایستاد / نعش‌ها برد ولی، از غم جان‌گریه نکرد

(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۱۸۰)

مشفق کاشانی، آزادسازی شهرهای کشور را از دست دشمنان بعثی می‌ستاید و خواهان این است که از مرزهای کشور محافظت شود. مشفق، رها شدن شهرهای جنگ‌زده کشور، از دست دشمنان را با زبانی فخیم و با صلابت، چنین توصیف می‌کند:

ز قید حصر، رها گشت شهر آبادان چنان که دزفول، این سد آهنین پیکر
نجات شوش و رها گشت شهر سوسنگرد به جان مدعیان، از شراره زد اخگر
هویزه شهر شهید آشنا رهایی یافت ز چنگ دشمن آتش به جان و دون پرور
(مشفق کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۴۰)

یکی از شاعران دفاع مقدس که در غم و اندوه وطن خویش فرو رفته، ترابی است. شاعر در سوگ کشور شهید پرورش می‌نشیند و در هر کجای وطن که قدم می‌گذارد تصویری از زخم و خون می‌بیند. شهرهای جنگ‌زده وطن همگی باعث درد و رنج او را فراهم می‌کنند تا آنجا که او وادار می‌شود، برای دفاع از وطنش با سلاح قلم به پا خیزد و خواهان التیام زخم‌های کشورش باشد.

تصویری از درخت بر می‌دارم، سرخ است / تصویری از زمین بر می‌دارم، سرخ است / تصویری از آسمان بر می‌دارم، سرخ است / چگونه می‌توانم با این همه شقایق / تصویری سبز نقاشی کنم / پس قلم مویم را در خونم می‌زنم / و نقاشی می‌کنم زخم‌های وطنم را / در غرب / در هویزه / در اهواز / در خرمشهر / در آبادان (ترابی، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

از دیگر شاعران دفاع مقدس که از وطن گفتن و از وطن سرودن را با دل و جان پذیرفته، بیگی حبیب‌آبادی است. وی وطن خویش را با تمام وجود در روح و جسم خویش حس می‌کند و لحظه‌ای نمی‌تواند از آن جدا باشد. شاعر، وطن را زمزمه هر روز خود قرار می‌دهد و عاشقانه از وطن می‌سراید.

وطن تا همیشه، تو را می‌سرایم
تو را می‌نویسم، به لوح زمانه
تویی در وجودم، تویی در صدام
به خطی که نقشی زند در زمانه

(بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۱۱)

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس / ۱۶۷

محدّثی خراسانی از دیگر شاعران دفاع مقدّس است که نگاه ویژه‌ای به وطن دارد. وی وطن را قطعه‌ای از بهشت می‌داند که از الطاف خداوند به زمین است. از نظر شاعر، وطن به جایگاه والایی رسیده است که به عنوان آبروی خاک مطرح می‌شود.

تو یک قطعه از بهشتی / که به زمین هدیه شدی / آبرو دادی به خاک / وطن من / میهن من / آسمون روشن من (محدّثی خراسانی، ۱۳۸۴: ۲۵).

بخشی از حماسه هشت سال دفاع مقدّس مربوط به دل‌آوری‌ها و از جان‌گذشتگی‌های رزمندگان پر توان میهن اسلامی در خلیج فارس و پاسداری از مرزهای دریایی کشورمان است. این مهم مضمون حماسی بسیاری از سروده‌های شاعران معاصر بوده است که حسّ وطن‌دوستی خویش را در قالب دفاع از این خلیج همیشه پارس آورده‌اند:

گر این ترانه نماند خلیج خواهد ماند / خلیج فارس به سعی بسیج خواهد ماند

ز تیغ و دشنه فریاد مرد و زن رستید / اگر زمین و زمان گنگ و گیج خواهد ماند
(معلم، ۱۳۸۷: ۸۳)

ای مرز آب و آبی / بر سرزمین روشن مهتابی / فانوس یاد تو / در کیش و قشم و هرمز و هنگام / در
کوچه‌های لارک و لاوان / در سنگلاخ تنب و ابو موسی / در خاطرات خارک / پیوسته روشن است /
ما با تو ای خلیج شقایق / خلیج فارس / چون صخره‌های تو تا به ابد جاودانه‌ایم. (کاکایی، ۱۳۸۵: ۲۲۳)

۲-۲ - دفاع از وطن

پس با چنین اوصافی لازم است از این میهن دفاع شود و این همان چیزی است که شالوده ادبیات حماسی می‌باشد؛ یعنی دفاع از وطن و آرمان‌ها و عقاید مردمان وطن که در جای خودش زیباترین نوع از دفاع است.

به نام نامی‌ات قسم که هر زمان / اگر طلب کنی مرا به نقد جان
نه من در این سرا که جمله مرد و زن / برای حفظ تو به تن کند کفن
بخوان، بخوان مرا، بخوان در این مدار / به نام تو کنم همیشه افتخار

(بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

حال اگر این دفاع از وطن همراه با عقاید مذهبی باشد؛ در نوع خودش دفاعی ماندگار و هدفمند ارزیابی می‌شود.

ای جوانان سلحشور وطن، یا الله	یارتان حجت حق، پور حسن، یا الله
ای مناجات شما جوهره فطرت نو	با دم تکبیر بگوید سخن، یا الله
آتش فجر به سامان فجور افشانید	پر گشایید و به معراج شدن، یا الله
دشمنان را سر و گردن شکنید ای گردان	جوشن عشق پوشید به تن، یا الله

(رحمدل، ۱۳۸۶: ۳۲)

وطن دوستی و حفظ و پاسداری از آن می‌تواند در شکل‌گیری و صیانت از هویت افراد یک جامعه کمکی شایان کند. «سرزمین و محیط جغرافیایی یکی از مؤلفه‌های هویت ملی است که به عنوان بستری برای شکل‌گیری سایر مؤلفه‌های هویت ملی عمل می‌کند و سرانجام حس همگرایی ملی را در میان افراد ایجاد می‌کند. مهم‌ترین نقش سرزمین در این مقوله، هویت‌سازی و تداوم بخشیدن به موضوع هویت ملی است» (لک، ۱۳۸۴: ۱۱۶).

و جبهه مدرسه است / کلاس ما آنجاست / شتاب کن برویم / که دیر خواهد شد / تفنگ را بردار / امام می‌آید / و امتحان نهایی شروع خواهد شد (هراتی، ۱۳۸۷: ۳۵۳).

تو چه فکری هستی ای تیغ / تشنه شهادتیم ما / تو هجوم شب طوفان / کوه استقامتیم ما (محدثی خراسانی، ۱۳۸۴: ۸۳).

«فضای نخستین سروده‌ها، هم‌رنگ سروده‌های عصر قیام و مبارزه - روهای آتش و تکبیر و خون - ساده، بسیط و بی‌پیرایه، دعوت به قیام، مبارزه، ایثار، شهادت، وحدت و رهایی دارد. لحن خطابی، واژه‌های گرم خون و آهنگ توفنده در رگ رگ سطرها و مصرع‌ها جریان دارد. در سروده‌های سپید یا نیمایی و سروده‌های کلاسیک، واژه‌ها و عبارات «برخیز»، «بستیز»، «ای برادر»، «سرباز»، با حالت خطابی و «رزمندگان» بارها تکرار می‌شود» (سنگری، ۱۳۸۵: ۱۶).

ای ظفرمندان، ظفرمندان در سنگر به پیش	ای سواران سحر، گردان نام‌آور به پیش
جنجویان دلاور، پشتازان دلیر	آریشان فاتح این خاک پهن‌آور به پیش
با سلاح کاری الله و اکبر می‌روید	پیروان راستی فاتح خبیر به پیش

(مردانی، ۱۳۷۰: ۴۴)

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۶۹

سپیده کاشانی به خاطر عشق و علاقه‌ای که به رزمندگان جان بر کف اسلام داشت با وجود آن که یک زن بود، بارها در جبهه‌های نبرد حاضر شد و با سرودن اشعار حماسی آنان را در جهاد با دشمن بعثی، عاشقانه همراهی کرد.

سنگر نشین، ای فاتح، ای گرد دلاور! ای پاسدار میهن، ای خورشید خاور

ای معتکف در سنگر اخلاص و ایمان آنجا چه زیبا تازه کردی عهد و پیمان

(کاشانی، ۱۳۷۴: ۱۶۵)

در رباعی قیصر، صبغه‌های میادین رزم و نبرد، ترغیب و تقویت رزمندگان و تحقیر خصم و ترسیم شکوه و عظمت و استقامت و پایداری جنگاوران چشمگیر است:

زین تیغ که از صخره و آهن گذرد وز رشته موی و پشم سوزن گذرد

پندان به تن دشمن خود زخم زنیم تا آن که نسیم از تن دشمن گذرد

(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۲۷)

ستایش از دلاوری‌های رزمندگان وطن در جبهه‌های جنگ از موضوعات شعر سید حسن حسینی است. در بیان وی رزمندگان، دلیر مردانی‌اند که از مرگ هراسی به دل راه نمی‌دهند و از رخوت و سستی به دورند:

این طرفه مردانی که خصم خوف و خوابند بر حلق ظلمت خنجر تیز شهباند

بر خاک می‌غلتنند و گل می‌روید از خاک روح بهاران شوکت باران و آبنند

...

شیران حریم بیشه‌زار سحرند خصم شب تار و پاسدار سحرند

با خنجره‌شان سرود سرخ فلق است فریاد بلند آبشار سحرند

(حسینی، ۱۳۶۳: ۸۴)

۲-۳ - شهیدان وطنی

شهادت، اوج تعالی انسان است. در فرهنگ اسلام و به ویژه تشیع، ارزشمندترین و گرانبهاترین حرکت، شهادت است؛ شهید کسی است که با نثار جان خود، درخت اسلام را آبیاری و فساد را ریشه کن و موجب آزادی وطن، از چنگال مهاجمان و دشمنان می‌شود.

سرودم این غزل خوش به سحر خامه عشق در افتخار شهیدان به استعاره گل
بسیط خاک و وطن گر چه مدفن گل هاست مباد دفتر من، لوح سوگواره گل

(صالحی، ۱۳۸۷: ۲۲۲)

در قرآن نیز آیاتی به شهادت اختصاص داده شده است. آنجا که می فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ
الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَرِّقُونَ» (آل عمران/۱۶۹).
«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره/۱۵۴).

باز از جبهه حق نعش شهید آوردند ورقی پاره ز قرآن مجید آوردند
چاوشان حرم از علقمه خوزستان جسم بی دست ابوالفضل رشید آوردند

(رحمدل، ۱۳۸۶: ۲۵)

شهیدان، مقاومت و پویایی وطن را تضمین می کنند و به جامعه، ظرفیت روحی می -
بخشند و ضعف و سستی را از بین می برند. اگر در هر جامعه ای که مورد هجوم قرار می -
گیرد خون شهیدان نبود، دیگر اثری از آن جامعه و آرمان هایش وجود نداشت. شهیدان
چراغ هدایتی را بر می افروزند که روشنی بخش حیات انسان ها در همیشه تاریخ خواهد بود.

خوشا آنان که جانان می شناسند طریق عشق و ایمان می شناسند
بسی گفتیم و گفتند از شهیدان شهیدان را شهیدان می شناسند

(قزوه، ۱۳۸۷: ۱۶۴)

شهادت خون دوباره ای است که به کالبد نیمه جان جامعه وارد می شود و آن را سرزنده و
پویا می کند. «حرکت، پویایی و آرمان خواهی شهیدان، گواه روشنی بر سازندگی ابعاد
ارزشمند اجتماع است. در دوره معاصر نیز انقلاب اسلامی که مبنا و مقدمات دفاع مقدس را
فراهم کرد، توانست با انگیزه سازندگی جامعه و در قالب معرفی اسلام، شهیدان والا مقام
را هدایتگر باشد» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

خورشید اگر چه سوگوار آمده است بر سینه آسمان غبار آمده است
یک بار دگر به یمن تشییع شما بر شانه شهر ما بهار آمده است

(محدثی خراسانی، ۱۳۸۴: ۷۸)

شهیدان وطنی این گونه در شعر دفاع مقدس تبلور یافته است:

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۷۱

گشته وطن، لاله‌زار یاد شهیدان به خیر

آمده از ره بهار، یاد شهیدان به خیر

(براتی پور، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

«در اغلب سوگ‌سروده‌های انقلابی، شهادت حماسه‌ای شکوهمنداست، و فراخوان
پروردگار و لَبیک شهید، عزیزترین حال حرکت از سرای فانی به حیات باقی است» (محدّثی
خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

عاشقان رفتند و دریایی شدند

مثل آبی‌ها تماشایی شدند

خوش به حال ساکنان آسمان

پرکشیدند و اهورایی شدند

(قنبری، ۱۳۸۸: ۱۸)

یکی از مهم‌ترین موضوعات ادبیات پایداری، بیان سوگ‌نامه شهیدان وطن و قهرمانان
عرصه جنگ و توصیف بی‌رحمی‌های دشمن است. بی‌شک هر جنگ و به تبع آن
مقاومت، زیان‌های مالی و جانی به همراه دارد. گرامی‌داشت و یادکرد شهیدان وطن در
جبهه‌های جنگ، سنت رایج است و بازخورد مرگ قهرمانان در ادبیات به صورت سوگ-
نامه و سوگواره‌های شهیدان تجلّی می‌یابد.

قیصر امین‌پور در غزلی به یاد شهیدان چنین می‌سراید:

بیا به خانه آلاله‌ها ســـــری بزنیم / زداغ با دل خود حرف بهتری بزنیم
به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم / سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم
(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰۶)

شهر ما شهری که با خون شهیدانش ز لطف / خاک فردوس معلاً را مخمّر دیده اند.

(مشفق کاشانی، ۱۳۸۶: ۱۵۴)

«شهید سروده»های فاخر سپیده کاشانی باعث ارج و اعتبار ادبیات دفاع مقدّس است؛ از
جمله «شهید - سروده» عاطفی و تپنده «شکسته سرو باغ آشنایی» که در سال‌های دفاع
مقدّس سروده شده است: شکسته سرو باغ آشنایی / چه سنگین است بار این جدایی * همه
کوچه به کوچه، حجله حجله / وطن از خون پاکان گشته دجله (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

۲ - ۴ - وطن و امید به آینده

امید به آینده وطن در شعر دفاع مقدس ظهور پیدا می‌کند و یکی از ویژگی‌های شعری عبارت از احیاء امید به پیروزی در قلوب مردمان است. ادیب متعهد در این عرصه می‌کوشد تا با زنده نگه‌داشتن روح امید از بروز خمود و سستی در وجود مجاهدان و مبارزان جلوگیری نماید.

ترابی به آینده وطن امید دارد و می‌داند که این مبارزات روزی ثمر خواهد داد و آنها به پیروزی خواهند رسید.

بر خلیجی از خون می‌رانیم / بر خلیجی از خون / و می‌دانیم / تا ساحل سپید سعادت / راهی نه / فاصله‌ای نیست (ترابی، ۱۳۸۲: ۱۱).

«از برجسته‌ترین ویژگی‌های ادبیات و شعر پایداری، ایجاد شور و نشاط و امیدآفرینی در صحنه‌های نفس‌گیر مبارزه است. شعر پایداری اگر چه تصویر خون و شهادت است؛ از زخم‌ها چراغی فروزان یا صبحی تابناک برای آیندگان ترسیم می‌کند و اگر چه ویران شدن خانه‌ها را گزارش می‌کند، در منطق این ادبیات، ویرانی هر کلبه نوید آبادانی میهن است» (امیری خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۷۴).

بهار خون شهیدان شکوفه افشان است	بخوان سرود رهایی که فخر قرآن است
خزان گذشته و باد بهار گلریز است	چراغ کوکب شبنم به شاخه آویز است
زغن به تخت عروس چمن نمی‌خواند	دگر به باغ بهاران زغن نمی‌خواند
طلوع فجر خدایی همیشه روشن باد	جهان ز تابش خورشید عشق روشن باد

(مردانی، ۱۳۷۰: ۵۴)

سید حسن حسینی پیروزی رزمندگان وطن را امری حتمی و مسلم دانسته است و بانگ
الله اکبر رزمندگان را مژده پیروزی و رهایی وطن از چنگال دیو صفتان دانسته است:
بانگ تکبیرشان مژده فتحی است قریب تا دژ نصر من الله بود سنگرتان

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۷)

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۷۳

قزوه به آینده‌ی وطن بسیار امیدوار است. او معتقد است که وطن بعد از سختی‌ها و مشقّت‌ها به آینده‌ای روشن و جاوید خواهد رسید. او رزمندگان اسلام را تشویق به رزم و مبارزه می‌کند و به آن‌ها امید می‌دهد که رهایی و پیروزی نزدیک است:

شما ییـد باران عشق و امید بکویید، عید است، عید است، عید
 بکویید بر طبل و سنج و دهل در این بارش نور و باران و گل
 وطن گر چه شادان، شهیدی وطن سراسر امید، امید، وطن
 جهان فتنه زاریست بیدار باش وطن، دیده بگشا و هشیار باش

(قزوه، ۱۳۸۷: ۲۸۵)

۲- ۵- وطن و شعر حماسی

حماسه، عنصر مهمّ شعری در هر دوره است. شاعران با بهره‌گیری از شعر حماسی در تقویت روح وطن‌دوستی مردم سهم بسزایی را ایفا می‌کنند. توجّه به شعر حماسی در شعر دفاع مقدّس برای ترغیب ایرانیان در جهت دفاع از دین و وطن و روحیه دادن به رزمندگان در زمان جنگ تحمیلی حکم فرماست.

شما ییـد از ایل مردان مرد دلیران عاشق، یلان نبرد
 شما موج، دریا، شما رود، کوه سراپا غرور و سراپا شکوه

(قزوه، ۱۳۸۷: ۲۸۴)

برزمید، برزمید، جوانان دلاور بکویید، بکویید، سربعثی کافر
 بشورید، بگرید، ره بصره بگیرید هلا حمله‌گران، هان یکی حمله دیگر

(رحمدل، ۱۳۸۶: ۳۵)

«حماسه‌ها مضمون و محتوای خاصّی دارند و بیشتر، تاریخ اولیه ملت‌ها را بازگو می‌کنند. در تاریخ ادبیات ملت‌ها در دوران خاصّی به وجود می‌آیند؛ از این رو، اوج حماسه-سرایي در ادبیات هر ملت زمانی است که ملت‌ها به تجدید حیات ملی خود نیاز و توجّه دارند و یادآوری شکوه گذشته، وسیله‌ای برای تقویت روح ملی و ایجاد اتحاد در میان مردم است» (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۶).

همه به هیبت اسفندیار رویین تن
همه به صولت سهراب و سام و رستم زر
همه به دانش و تقوا نمونه سلمان
همه شجاع و سخنور، به گونه بودر
همه به دشت یلی، با مهابت عباس (ع)
همه به کار عدو، با صلابت حیدر
(مشفق کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۳۸)

شعر حماسی در شعر دفاع مقدس جایگاه والایی دارد؛ شاعر این دوره می‌کوشد تا با
زبانی حماسی و فاخر به وصف دلاوری رزمندگان و صحنه‌های جنگ پردازد. «شاعران
انقلاب، ملهم از فضای حماسی جبهه‌ها و به دلیل آشنایی با فرهنگ عاشورا، سروده‌هایی را
رقم زدند که بُعد حماسی در خویش متجلی ساخته‌اند» (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۷: ۴۲۳).

ای ظفرمندان، ظفرمندان در سنگر به پیش
ای سواران سحر، گردان نام آور به پیش
جنگجویان دلاور، پیشتازان دلیر
آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
با سلاح کاری الله اکبر می‌روید
پیروان راستی فاتح خیبر به پیش
(مردانی، ۱۳۷۰: ۴۴)

«حضور همین‌ها بود که جوانان متعهد و پرانگیزه را به برخاستن فراخواند و ساحت
مقدس جنگ را، واپسین منزل دنیوی آنان قرار داد» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).
در پهنه جنگ، یا علی ادرکنی
ماییم و تفنگ، یا علی ادرکنی
این معجزه بین که فتح را می‌طلبد
آینه ز سنگ، یا علی ادرکنی
(باقری، ۱۳۸۶: ۱۶۰)

۲-۶- بیگانگان و وطن

در تمام آثار ادبی برجسته جهان به گونه‌ای بازتاب پایداری در مقابل دشمن بیگانه دیده
می‌شود. این امر ناشی از این اصل کلی است که همه انسان‌ها در هر گوشه‌ای از جهان که
زندگی می‌کنند در حمایت از اصالت، استقلال و هویت خود که مورد هجوم بیگانه‌ای قرار
گیرد، ایستادگی می‌کنند و بازتاب این مقاومت به آثار هنرمندان نیز راه می‌یابد.
ترابی حضور بیگانگان، در کنار مرزهای آبی ایران را به باد سخره می‌گیرد:

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۷۵

به ناوهایتانی می‌نازید/ مثل کودکی به اسباب بازی‌های کاغذیش / پیش مادر بزرگ هایتان بر-
گردید/ اینجا دریاست، نه کودکستان/ و برگرید و تابوت‌هایتانی را با خود ببرید که دریا/ بی-
تابوت‌های رنگارنگتان زیباست (ترابی، ۱۳۸۲: ۳۷).

در شهریور ۱۳۵۹، ایران اسلامی شاهد هجوم بیگانگان بود. در این زمان، ایران وارد
جنگی تحمیلی و نابرابر شد. رژیم بعثی عراق با حمایت کشورهای غربی و عربی وارد
شهرهای مرزی ایران شد و ایران را آلوده به حضور شوم خویش کردند. شهرهای مرزی
توسط این جنایتکاران ویران و به اشغال درآمد.

تا سرخ تر نماید رخسار روزگاران گلگونه شهیدان با خون گل بشویید
ننگ است جان سپردن در دخمه تاران هابیلیان کجایید؟ قابیل دیگر آمد

(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

شیشه عمر تو ای دیو بد آیین زمان ما به سر پنجه ایمان چو تهمتن شکنیم
دیگر اهریمن من‌ها نفریبد دل ما همگی ما بشویم و شیخ «من» شکنیم
مشت‌ها بر دهن یاوه‌سرایان کویم زورمندان جهان را همه گردن شکنیم

(مردانی، ۱۳۸۶: ۲۰۵)

«رژیم بعثی عراق ۲/۳ نیروهای خود را برای تصرف شهرهای استان خوزستان به کار-
گرفت؛ به طوری که از محورهای شلمچه، تنگه جزآبه و دزفول به اشغال خاک خوزستان
پرداخت. هدف مهم و استراتژیک او اشغال خرمشهر بود که با وجود مقاومت سرسختانه
دلیرمردان اسلام، سرانجام این شهر کلیدی را به تصرف خود درآورد» (منصوری
لاریجانی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

این واقعه شوم باعث شد تا مردم به دفاع از مرزهای کشور برآیند و با جهادی مخلصانه
بتوانند بیگانگان را از کشور برانند. در این میان شاعران نیز همگام با مردم و به مخالفت با
حضور بیگانگان به پاخاستند. با شروع جنگ تحمیلی اندیشه پایداری در مقابل دشمنان
بیگانه در ذهن شاعران شکل می‌گیرد و تمام تلاش شاعر این است که ملت خود را تشویق
به مبارزه با بیگانگان نماید.

از ناخن بعثی به رخ ناسور داری خاکم به سر سیمای نیشابور داری

سیمای نیشابور از زخم تموچین زخم تموچین دگر، صدام بی‌دین
نامرد مردی از تبار سفله‌خیمان نامردی را بسته با ابلیس پیمان
مفلوک عبیدی از نژاد دیوسازان واماندهٔ پسوند زاردوی تاران
فرمان گرفته تا به پا هنگامه سازد بر مرز جمهوری اسلامی بتازد
(سبزواری، ۱۳۸۶: ۱۲۹)

ز خیل دوزخیان، مظهر ستم، صدام ز جای جست و زخمی بست بر نفاق کمر
که ای نشسته به تخت فریب کاخ سیاه که ای نهاده به سر ز آتش سقر، افسر
کنون به حکم تو آتش بیار معرکه، من کنسون برای تو آذر فکن به خشک و تر
به موج آتش و خون، خاک پاک ایران را سه روزه می‌کنم از برق کینه زیر و زیر
(مشفق کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۳۴)

۲-۷- بهره‌گیری از اسطوره‌های وطنی

هرگاه سخن از سرزمین و وطن به میان می‌آید، اسطوره و اسوه‌های ملی نیز مطرح می‌شوند. اسطوره‌ها و نمادهای ملی پل پیوند امروز و گذشته هستند. «اسطوره‌های حماسی گذشتهٔ ایران در هیچ دوره‌ای از یاد نرفته و نخواهند رفت تا احساس و تخیل و غیرت انسان جاری است، این اسطوره‌ها پایدار است» (واحد دوست، ۱۳۸۱: ۷). در شعر دفاع مقدس این مضامین بسیار کم‌رنگ‌تر جلوه می‌کند و مضمون و اسطورهٔ دینی از اسطوره‌های ملی سبقت می‌گیرند و توجه به قهرمانان تاریخ اسلام بیش از مفاخر ملی است.

ای ظفرمندان، ظفرمندان در سنگر به پیش ای سواران سحر، گردان نام‌آور به پیش
جنس گجویان دلاور، پشتازان دلیر آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش

با سلاح کاری الله اکبر می‌روید پیروان راستی فاتح خبیر به پیش
(مردانی، ۱۳۷۰: ۴۴)

وطن کاوه / وطن آرش / وطن آمادهٔ آتش / طنین مهر در گوش زمین پیچید / سحر در دست جاری شد / خزان، آوارهٔ صبحی بهاری شد / دوباره نخل‌های استوار از خاک رویدند / سحر، گل، سرو - های سبز در سنگر / دوباره نخل / خرّمشهر / خرّمشهر، خرّم‌تر (محدثی خراسانی، ۱۳۸۴: ۴۹).

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۷۷

«طرح اسطوره‌ها و چهره‌های ملی و احساس رقیق وطن‌گرایانه، بی‌آنکه مرزهای ملیت-پرستی نزدیک شود همراه با باورهای دینی- به ویژه شیعی - در شعر حضوری ملموس دارد. در کنار نام ایران، مظاهر ملی و حماسی و پهلوانی - عمدتاً چهره‌های شاهنامه - همراه با مظاهر فرهنگ اسلامی و شیعی دیده می‌شود.» (سنگری، ۱۳۸۵: ۲۲).

گلاب بود و غزل، عشق و آب و آینه چراغ خانه دل تا سپیده روشن بود
اگر چه سوخت در آتش پر سیاوشان ولی به لطف خدا فتح با تهمت بود

(بیگی حبیب آبادی، ۱۳۸۷: ۳۹)

اسطوره‌سازی یکی از ابعاد جنگ است که شاعران با استفاده صحیح از آن شخصیت‌های اسطوره‌ای توانسته‌اند یاد و خاطره حماسه‌سازی و دلاوری‌های رزمندگان و شهیدان و مردم را جاودانه سازند. «جریان و سیلان احساس مذهبی و حضور بارز اندیشه‌های دینی در شعر دوره مبارزه و قیام مانع طرح چهره‌ها و نمادهای ملی و اسطوره‌ای نیست. هر چند پرداختن به چهره‌ها و نمادهای غیر دینی کم فروغ‌تراست، اما اشاره به داستان ضحاک، کاوه آهنگر، سیاوش و کاربرد واژگان دیو، اهریمن و ... در شعر و شعار مردم شنیده می‌شود» (سنگری، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

همه به هیأت اسفندیار روین تن همه به صولت سهراب و سام و رستم ذر
همه به دانش و تقوا نمونه سلمان همه شجاع و سخنور، به گونه بوذر
همه به دشت یلی، با مهابت عباس (ع) همه به کار عدو، با صلابت حیدر

(مشفق کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۳۸)

۲- ۸- وطن و مسئله غرب

در شعر دفاع مقدّس، چون نگاه به جوامع غربی و آمریکا به عنوان جوامع استعمارگر، نگاهی منفی است به طور قطع در شعر این دوره از جوامع غربی به بدی یاد می‌شود. شاعران با آگاهی از این که در جنگ تحمیلی علیه ایران جوامع غربی و آمریکا از حامیان رژیم عراق هستند، زبان به طعن آنها می‌کشایند و از آنها و فرهنگشان به چشم نفرت می‌نگرند؛

به طور کلی از آن دوری می‌شود و فرهنگ و مظاهر تمدن غرب و آمریکا را به باد سخره می‌گیرند.

هراتی بر مبنای باورهای انقلابی، غرب و مظاهر تمدن غرب را غریبه‌ای می‌داند که به قصد استحاله کردن فرهنگ ملی و بومی ما به میدان آمده‌است؛ به همین دلیل وی به هیچ وجه با این مظاهر کنار نمی‌آید.

وقتی یک جرعه آب صلواتی/ عطش را می‌خشکاند/ دیگر به من چه که کوکا خوشمزه تر از پیسی است. (هراتی، ۱۳۸۷: ۸۵)

اسرافیلی فرهنگ غرب و آمریکا را نفی می‌کند و به جای آن فرهنگ ملی و اسلامی را ترویج می‌دهد. اسرافیلی، فرهنگ آلوده‌ای را که در این کشورها حکم فرماست به تمسخر می‌گیرد و از آن‌ها انتقاد می‌کند.

آقای بوش / تو / در پناه گاه‌های بتن و آهن / حتی برای اندیشیدن به باغ هم / فرصت نداری / و کودکانت با ویدئو/ ماهواره/ اینترنت / و فیلم‌های مبتذل / بزرگ می‌شوند/ سربازانت/ سربازهای رایانه‌ای اند / با کامپیوتر می‌جنگند (اسرافیلی، ۱۳۸۳: ۲۳).

۲- ۹- وطن اسلامی

«نوع دیگری از وطن که از دیرباز در میان مسلمانان مطرح بوده‌است، وطن اسلامی است؛ وطنی که بر اساس دین اسلام شکل می‌گیرد و فارغ از هر گونه نژاد، ملیت و تاریخ درون ملت را به همدیگر ارتباط می‌دهد.

کفتربازان سیاست‌پیشه / کفترهای کاغذی را چندی‌است / در آسمان دنیا پرواز می‌دهند / و سعی دارند دنیا باور کند / زخم ایران با پماد زیتون التیام می‌یابد / و فلسطین مستأصل باید به آوارگی قناعت کند / و جراحت افغانستان را باید با دستمال سرخ بست (هراتی، ۱۳۸۷: ۹۰).

از چه رو سآزش با چنین الحاد	آی انسان‌ها، ای مسلمان‌ها
تا به کی دشمن این چنین آزاد	تیغ برگیریم بهر خون‌خواهی

(براتی پور، ۱۳۸۷: ۲۸۹)

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۷۹

تأکید بر این وطن در دوره معاصر اهمّیت خاصی می‌یابد؛ زیرا در کشورهای مسلمان با دشمن مشترکی به نام استعمار روبرو هستند؛ دشمنی قوی که برای مبارزه با آن نیروی یک ملّت کافی نیست» (آجودانی، ۱۳۸۲: ۱۷۶). در شعر دفاع مقدّس این دیدگاه با حمایت از کشورهای اسلامی مطرح و در شعر شاعران جلوه‌گر می‌شود؛ به طوری که بیشتر شاعران این دوره به مسئله کشورهای مسلمان حسّاسیت و در برابر ظلم و جنایت‌هایی که در آن کشورها صورت می‌گیرد واکنش نشان می‌دهند.

جانان من برخیز بر جولان برانیم	ز آنجا به جولان تا خط لبنان برانیم
آنجا که جولانگاه اولاد یهود است	آن جا که قربانگاه زعتر، صور، صید است
آنجا که هر سو صد شهید خفته دارد	آنجا که هر کویش غمی بنهفته دارد
جانان من اندوه لبنان کشت ما را	بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را (سبزواری، ۱۳۸۶: ۲۲۵)
صرب‌ها سرب گدازیده فرو باریدند	غیرت چشم کسی، ابر بلا را نگریست
آتش خانه‌ات، احساس کسی را نگذاخت	هیچ ناله آن صحن و سرا را نگریست (اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۲۴۷)

«در ذهن و ضمیر شاعران مسلمان ایران، همسنگ با مفهوم وطن و «ایران»، اسلام اهمّیت دارد؛ لذا آرزوی تجدید حیات امت اسلامی و برخورداری از یک حوزه وسیع جغرافیایی در شعر پایداری و دفاع بارها طرح شده است. از زمانی که قائم‌مقام فراهانی از گسیختگی حال و روز مسلمانان سخن گفت تا زمانی که اقبال هند و سمرقند و عراق و همدان به بیداری فراخواند، ایده وطن اسلامی و سرزمین دینی در ذهن و ضمیر شاعران مسلمان وجود داشته است. تفکّر جهان‌وطنی دینی یا امت واحده اسلامی با طرح آرمان آزادی قدس به عنوان قبله نخستین مسلمانان، ذهن‌ها را معطوف به خود کرد؛ حتی عبارت «راه قدس از کربلا می‌گذرد» به نوعی استراتژی جنگ را تعیین کرد» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۷۳).

باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین	باید به سینه رفت زین جا تا فلسطین
باید به سر، زی مسجدالاقصی سفر کرد	باید به راه دوست ترک جان و سر کرد (سبزواری، ۱۳۸۶: ۲۲۵)

بوی خون جاریست از ره بوسنی بوی باروت و بوی استبداد
هر کجا بینی آتش است و خون هر کرا بینی در کف جلاد
می‌زند آتش، می‌کشد از کین دشمن غدار، خصم کج بنیاد

(براتی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۶۷)

در «ساریوو» این پیش در آمد باران است / مردانی / که در آغوش آوازه‌ایشان / هر بامداد مرگ را
مرور می‌کنند / درست / به دقیقه گلوله باران سنجاقک (باقری، ۱۳۸۶: ۱۵۴).

آن سوی مرز را نگاه کن / چه همه‌ایست / و کسی نیست تا بر جنازه الجزایر نماز بخواند / و کسی
نیست / تا هزار پرچم را / در لبنان و افغانستان آتش بزند / و گوش شاعران فلسطین را بکشد / و کسی
نیست... (قزوه، ۱۳۸۸: ۹۲)

عیسی به چرخ چارم از این رنج جانگرای خواند پی نجات فلسطین، دعای قدس
با خط خون به لوح شهادت نوشته‌اند فتح الفتوح را به پیام رسای قدس
(مشفق کاشانی، ۱۳۸۶: ۳۴۳)

۳ - نتیجه‌گیری

با بررسی شعر دفاع مقدس دریافتیم که شاعران این دوره، از مفهوم وطن در شعر خویش
به صورت فراوان بهره‌جسته‌اند. شعر وطنی این دوره به علت بروز جنگ تحمیلی شکل
می‌گیرد؛ جنگی نابرابر که باعث بمباران و اشغال شهرهای کشور می‌شود؛ از این رو،
شاعران بر اساس موازین شرع و اسلام به تمجید و ستایش کشور خویش برآمدند و در این
راه هرگز به افراط و تفریط نگراییدند؛ شاعران این دوره، بخصوص در روزهای آغازین
جنگ به وطن خویش عشق و علاقه وافر نشان می‌دهند و از این که وطنشان مورد هجوم
قرار گرفته است سخت اندوهگین و غمناک هستند.

شاعران، دفاع از وطن را لازم و واجب می‌شمارند و همگان را به دفاع از آن برمی-
انگیزند. در این دوره، اسلام جایگاه والاتری از وطن پیدا می‌کند و اگر شاعران دفاع از
وطن را لازم می‌شمارند، به علت این است که دین اسلام در خطر است؛ به همین دلیل نیز
مردم را به دفاع از آن فرامی‌خوانند. در مسیر این دفاع و وطن‌دوستی شاعران برای این که

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۸۱

حسّ وطن‌دوستی مردم و رزمندگان را تقویت کنند به بهره‌گیری از اسطوره‌های ملی روی می‌آورند؛ البته، اسطوره‌های ملی با اسطوره و نمادهای دینی همراه می‌شوند تا تأثیر بیشتری بر مخاطب خود بگذارند. حماسه‌سرایی نیز در پرداختن به شعر وطنی به کمک شاعران می‌آید؛ شاعران با سرودن اشعار حماسی سعی در برانگیختن مردم و رزمندگان را دارند؛ اشعاری که توانست در روزهای جنگ بسیاری از مردم را به جبهه‌های حقّ علیه باطل بکشاند. شاعران از حضور بیگانگان بعثی سخت در عذاب هستند و در اشعار خویش آنها را به سخره و باد انتقاد می‌گیرند.

در شعر این دوره علاوه بر اشعار وطنی، شاهد اشعار فرامرزی نیز هستیم؛ این اشعار بیشتر در مورد کشورهای مسلمان دیگر است که از حضور بیگانگان در کشورشان رنج می‌برند؛ شاعر مسلمان ایرانی با سلاح قلم به حمایت از این کشورها برمی‌خیزد و خواهان خروج استعمارگران از این کشورها هستند؛ شاعران با حمایت از این کشورها در پی پایه‌ریزی یک امتّ واحد اسلامی و وطن بزرگ اسلامی هستند.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۳). **مثل آتش که در دل سنگ**. تهران: نشر خورشید باران.
۳. اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۶). **رد صدای آب**. تهران: نشر تکا.
۴. آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۱). **یا مرگ یا تجدد**. تهران: نشر اختران.
۵. امین پور، قیصر. (۱۳۸۸). **مجموعه کامل اشعار**. تهران: انتشارات مروارید.
۶. باقری، عباس. (۱۳۸۶). **از پلک سنگ**. تهران: نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس.
۷. براتی پور، عباس. (۱۳۸۷). **تا طلوع سرخ**. تهران: نشر تکا.
۸. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز. (۱۳۸۷). **فصل سوم**. تهران: نشر تکا.
۹. ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۲). **سرخ از پرنده و پرواز**. چاپ دوم. تهران: انتشارات سروش.

۱۰ - تقی‌زاده اکبری، علی، سنگری محمد رضا، عبداللّهی، مهدی. (۱۳۸۷). **عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدّس** (جلد اول و دوم). تهران: نشر پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارت زمزم هدایت.

۱۱. حسینی، سیدحسن. (۱۳۶۳). **همصدا با حلق اسماعیل**. تهران: انتشارات حوزه هنری.

۱۲. رحمدل شرفشاده، غلامرضا. (۱۳۸۶). **ما ایستاده‌ایم**. رشت: نشر حرف نو.

۱۳. سیزواری، حمید. (۱۳۸۶). **تو عاشقانه سفر کن**. تهران: نشر تکا.

۱۴. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدّس**. (جلد دوم). تهران: نشر پالیزان.

۱۵. صالحی، بهمن. (۱۳۸۷). **باغ کاغذی**. چاپ دوم. تهران: نشر تکا.

۱۶. قنبری، ایرج. (۱۳۸۸). **باغ ترانه**. تهران: نشر تکا.

۱۷. کاشانی، سپیده. (۱۳۸۹). **مجموعه آثار**. تهران: نشر قلم ایران

۱۸. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**. تهران: نشر پالیزان.

۱۹. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۵). **فرصت نایاب (مجموعه اشعار)**. تهران: نشر انجمن شاعران ایران.

۲۰. کی‌منش، عباس (مشفق کاشانی). (۱۳۸۶). **کپکشان آبی**. تهران: نشر تکا.

۲۱. محدّثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸). **شعر آیینی و تأثیر انقلاب بر آن**. تهران: نشر مجتمع فرهنگی عاشورا.

۲۲. محدّثی خراسانی، مصطفی. (۱۳۸۴). **طنین کوه**. تهران: نشر صریر.

۲۳. مردانی، نصرالله. (۱۳۷). **ترانه آبی در زندگی**. چاپ دوم. تهران: نشر نگاه.

۲۴. مردانی، نصرالله. (۱۳۸۶). **مست برخاستگان**. تهران: نشر تکا.

۲۵. (۱۳۷۰). **خون، خاک، نامه**. چاپ دوم. تهران: نشر کیهان.

۲۶ - معلّم دامغانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). **رجعت سرخ ستاره**. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سوره مهر.

۲۷ - مکارمی‌نیا، علی. (۱۳۸۳). **بررسی شعر دفاع مقدّس**. تهران: نشر ترفند.

وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدّس/ ۱۸۳

۲۸. منصوری‌لاریجانی، اسماعیل. (۱۳۸۹). **آشنایی با دفاع مقدّس**. چاپ پنجم. قم: نشر خادم الرضا.

۲۹. واحد دوست، مهوش. (۱۳۸۱). **رویکرد علمی به اسطوره‌شناسی**. تهران: نشر سروش.

۳۰. هراتی، سلمان. (۱۳۸۷). **مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی**. چاپ سوم. تهران: نشر دفتر شعر جوان.

ب. مقاله‌ها

۱. طاهری، علی. (۱۳۸۷). «**جلوه‌هایی از ادبیات پایداری ایران و فلسطین در آثار قیصر امین‌پور و محمود درویش**». نامه پایداری. کرمان: نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس. صفحه: ۲۷۴.

۲. لک، منوچهر. (۱۳۸۴). «**هویت ملی در شعر دفاع مقدّس**». فصلنامه مطالعات ملی. سال ششم. شماره ۲. صص ۱۱-۱۳۲.